Submit Date: 18 July 2026
Revise Date: 06 November 2026
Accept Date: 13 November 2026
Initial Publish: 17 November 2026
Final Publish: 20 April 2028

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

© 2028 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Jurisprudential and Legal Challenges of Reproduction through the Purchase (Storage) of Oocytes and Sperm

Mahdi Koeini[1], Alireza Mazloum Rahni[2]*, Hossein Monavari[2]

1. PhD Student, Department of Law, ShQ.C., Islamic Azad University, Shahr-e Qods, Iran
2. Department of Law, ShQ.C., Islamic Azad University, Shahr-e Qods, Iran

* Corresponding Author's Email: a.mazloom@qodsiau.ac.ir

ABSTRACT

By reference to Article 167 of the Constitution of the Islamic Republic of Iran, recourse to authoritative jurisprudential sources, adherence to the principle of permissibility, the principles of permissibility and acquittal, and the avoidance of an extensive interpretation of the exception concerning procreation and reproduction in cases of adultery, various forms of purchasing (storing) oocytes, sperm, and embryos are, in principle, considered lawful under Iranian law. Today, couples who meet the conditions for infertility treatment involving a third party can be classified into four categories according to the type and method of treatment: sperm purchase (storage), oocyte purchase (storage), embryo donation, and surrogacy. Each of these methods is associated with its own specific jurisprudential and legal challenges. Iran is the only Islamic country in which not only oocyte and sperm donation is common, but compensation is also received for such donation. The present study is a documentary and library-based investigation. In this study, Persian-language sources indexed in the IranMedex and SID databases were searched, and a relatively comprehensive ethical examination of the challenges associated with reproduction through the purchase (storage) of oocytes and sperm was conducted. The study seeks to answer the following question: What are the jurisprudential and legal challenges of reproduction through the purchase (storage) of oocytes and sperm under Iranian law? Through an examination of the jurisprudential and legal dimensions of purchasing (storing) oocytes and sperm, it was found that oocyte and sperm donation in Iran is accepted by Shiʿa religious authorities. Since the purchase (storage) of oocytes and sperm is also highly similar to the process of donation and sharing, this method has likewise been accepted. Furthermore, a comparison of the four methods examined in this study showed that embryo donation and surrogacy are associated with the fewest jurisprudential and legal challenges and difficulties, whereas the purchase (storage) of oocytes and sperm remains subject to jurisprudential and legal debate. Issues such as inheritance, lineage, and hereditary rights arising from the purchase (storage) of oocytes and sperm have not yet been fully resolved from jurisprudential and legal perspectives. Adopting a jurisprudential and legal approach, this article seeks to examine the dimensions, challenges, and consequences of the purchase (storage) of oocytes and sperm.

Keywords: *sperm storage, oocyte storage, infertility, jurisprudential challenges, legal challenges*

How to cite: Koeini, M., Mazloum Rahni, A., & Monavari, H. (2028). Jurisprudential and Legal Challenges of Reproduction through the Purchase (Storage) of Oocytes and Sperm. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, *6*(1), 1-17.

تاریخ ارسال: ۲۷ تیر ۱۴۰۵
تاریخ بازنگری: ۱۵ آبان ۱۴۰۵
تاریخ پذیرش: ۲۲ آبان ۱۴۰۵
تاریخ چاپ اولیه: ۲۶ آبان ۱۴۰۵
تاریخ چاپ نهایی: ۱ اردیبهشت ۱۴۰۷

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

چالش های فقهی و حقوقی باروری از طریق خرید(ذخیره) تخمک و اسپرم

مهدی کوپینی[۱]، علیرضا مظلوم رهنی[۲*]، حسین منوری[۲]

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرقدس، ایران
۲. گروه حقوق، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرقدس، ایران
* پست الکترونیک نویسنده مسئول: a.mazloom@qodsiau.ac.ir

چکیده

با استناد به اصل ۱۶۷ قانون اساسی، مراجعه به منابع معتبر فقهی، پایبندی به اصل جواز، اصول جواز، برائت و عدم تفسیر موسع از استثنای توالد و تناسل در زنا، انواع خرید (ذخیره سازی) تخمک، اسپرم و جنین، علی الاصول در حقوق ایران مشروع می باشد. امروزه زوجینی که شرایط درمان ناباروری با دخالت شخص ثالث را دارند، از نظر نوع و روش درمان به چهار دسته تقسیم می شوند که عبارتند از: خرید اسپرم (ذخیره سازی)، خرید تخمک (ذخیره سازی)، اهدای جنین و رحم اجاره ای. هر یک از این روش‌ها نیز با چالش‌های فقهی و حقوقی خاص خود مواجه هستند. ایران تنها کشور اسلامی است که نه تنها اهدای تخمک و اسپرم در آن رایج است، بلکه برای اهدا نیز هزینه‌ای دریافت می‌شود. پژوهش حاضر یک مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای است. در این مطالعه، با جستجو در منابع فارسی در پایگاه‌های اطلاعاتی IranMedex و SID، بررسی اخلاقی نسبتاً کاملی از موضوع چالش‌های باروری از طریق خرید (ذخیره‌سازی) تخمک و اسپرم انجام شد. و در صدد پاسخگویی به این سوال می باشیم که چالش های فقهی و حقوقی باروری از طریق خرید(ذخیره) تخمک و اسپرم در حقوق ایران چیست؟ با بررسی و مطالعه جنبه‌های فقهی و حقوقی خرید (ذخیره‌سازی) تخمک و اسپرم در یافتیم که در ایران اهدای تخمک و اسپرم مورد قبول مراجع شیعه است. از آنجاییکه خرید(ذخیره) تخمک و اسپرم نیز شباهت کاملی با روند اشتراک گذاری دارد این روش نیز پذیرفته شده است . همچنین در مقایسه‌ای بین چهار روش عنوان شده در پژوهش، دو روش اهدای جنین و رحم اجاره‌ای با کمترین چالش‌ها و مشکلات فقهی و حقوقی مواجه بودند، اما خرید (ذخیره‌سازی) تخمک و اسپرم از منظر فقهی و حقوقی همچنان محل بحث و بررسی است. مسائلی مانند ارث، نسب، وراثت از خرید (ذخیره سازی) تخمک و اسپرم، از منظر فقهی و حقوقی ، هنوز حل نشده اند. این مقاله با رویکردی فقهی و حقوقی، در پی بررسی ابعاد، چالش‌ها و آثار خرید (ذخیره‌سازی) تخمک و اسپرم است.

کلیدواژگان: *ذخیره اسپرم، ذخیره تخمک، ناباروی، چالشهای فقهی، چالشهای حقوقی*

© ۱۴۰۷ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

نحوه استناددهی: کوپینی، مهدی.، مظلوم رهنی، علیرضا.، و منوری، حسین. (۱۴۰۷). چالش های فقهی و حقوقی باروری از طریق خرید(ذخیره) تخمک و اسپرم. *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۶(۱)، ۱۷-۱.

مقدمه

همزمان با گسترش حوزه دانش بشری و ظهور دستاوردهای نوین در قلمرو علوم تجربی، مسائل و مباحث پیچیده حقوقی و فقهی نیز پدیدار شده و راهکارهای مناسب خود را می‌طلبد. فقه امامیه با اصل «اجتهاد» خود، توانایی رویارویی با مسائل نوظهور و ارائه بهترین راه‌حل‌ها را دارد. «روش‌های نوین تولیدمثل» نیز از جمله مسائل نوظهوری است که پیشرفت دانش پزشکی آن را به عرصه فقه و حقوق آورده است. و از آنجا که قوانین و مقررات حقوقی ما ریشه در احکام دینی دارد، هیچ حقوقدان و اندیشمندی در دانش حقوق نمی‌تواند بدون بهره‌گیری از این منبع عظیم، در جهت قانونمند کردن این‌گونه مسائل جدید گام بردارد. بلکه ابتدا باید فقها جواز شرعی آن را تأیید و حکم شرعی آن را روشن کنند، سپس می‌توان آن را به‌صورت ماده یا مواد قانونی تصویب کرد. با این وجود، تصویب قانون و آیین‌نامه نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور گام مهمی در تعیین مشروعیت این اقدام است. و بر اساس این قانون، با تنقیح قوانین و استناد به اصل ۱۶۷ قانون اساسی، مراجعه به منابع معتبر فقهی، پایبندی به اصل جواز، اصول جواز، برائت و عدم تفسیر موسع از استثنای توالد و تناسل در زنا، انواع خرید (ذخیره‌سازی) تخمک، اسپرم و جنین، علی‌الاصول مشروع است.

قرار دادن منی در داخل واژن، یکی از قدیمی‌ترین روش‌های لقاح غیرطبیعی است و در فقه امامیه «انتقال منی» به روش «مساحقه» و در فقه شافعی «استدخال منی» محسوب می‌شود. مثلاً شافعی‌ها می‌گویند: اگر چیزی مانع ارتباط و اتصال مستقیم شود، تزریق نطفه جایز است و شوهر می‌تواند نطفه خود را با استفاده از دستگاهی به رحم همسرش منتقل کند، البته به شرطی که عقد صحیحی وجود داشته باشد. اما تلقیح مصنوعی و لقاح با کمک ابزار پزشکی به شیوه‌ای که امروزه مطرح است، در روایات سابقه‌ای ندارد و در فقه نیز، جز در عصر حاضر، سابقه‌ای ندارد. اما با در نظر گرفتن اصول و کلیات فقه شیعه، مانند علل و حکمت‌ها، مصالح و مفاسد احکام، قواعد کلی در باب نسب و حق فرزندآوری، عده، کنیز و غیره و روایات خاص مربوط به روش‌های غیرطبیعی تولیدمثل، می‌توان احکام و آثار باروری‌های پزشکی را استنباط کرد. (Rezaeia, 2017)

در واقع، در تشیع، از طریق وجود اصلی به نام اجتهاد، امکان تحقیق و بررسی کامل و جامع در مورد مسائل نوظهوری که جامعه با آن مواجه است، وجود دارد. پرسش‌های نوپیدا در هر موضوعی، زمانی جدید هستند که نیاز به حکم شرعی داشته باشند، چه قبلاً حکم شرعی برای آن پرسش‌ها وجود نداشته باشد و چه حکم شرعی برای آنها وجود داشته باشد اما برخی از شروط آنها تغییر کرده باشد. (Makarem Shirazi, 1996) مسئله حلیت و حرمت لقاح از طریق اسپرم و تخمک اهدایی نیز یکی از این مسائل جدید است که با ظهور اجتهاد به‌عنوان یکی از ویژگی‌های مسلمانان شیعه، مورد بررسی مجتهدان قرار می‌گیرد. در فقه شیعه، اجتهاد به معنای به‌کارگیری تدبر و استدلال در فهم ادله شرعی برای رسیدن به احکام شرعی است. (Nikzad & Joursaraei, 2019)

بررسی تاریخی اهدای تخمک و اسپرم در ایران

در ایران، آیت‌الله موسوی بجنوردی برای اولین بار در سال ۱۳۷۱ درباره مشروعیت و جواز لقاح از طریق اسپرم اهدایی صحبت کرد و آیت‌الله خامنه‌ای نیز در نظریه فقهی شماره ۸۱۲۵ خود در سال ۱۳۷۲ در پاسخ به سؤال رئیس بیمارستان تخصصی زنان میرزا کوچک‌خان گفت: «کاشت نطفه بیگانه در رحم زن به خودی خود دلیلی بر حرمت نیست، اما باید از مقدمات حرام اجتناب شود.» (Rouhani Aliabadi, 2006)

بنابراین، این شبهه که مقام معظم رهبری برای دستیابی به هدف افزایش جمعیت، مجوز انواع تلقیح مصنوعی را صادر کرده‌اند، با توجه به تاریخ صدور فتوا قابل قبول نیست، زیرا سال پیش‌گفته،

ابتدای سال‌هایی بود که سیاست‌های کاهش جمعیت آغاز به اجرا شد.

یکی دیگر از تحولاتی که از آیت‌الله خامنه‌ای در پاسخ به سؤال‌هایی در مورد لقاح از طریق گامت اهدایی حاصل شد، بیانیه مجمع فقه اهل‌بیت است که در سال ۱۳۷۱ در زمان مقام معظم رهبری تشکیل شد. و در آن، تعدادی از فقهای شیعه برای رسیدگی به مسائل نوپیدا و مبرم گرد هم آمدند. این مجلس در سال ۱۳۷۲ بحثی در مورد «تلقیح» را در دستور کار خود قرار داد و در بیان نظر نهایی خود در مورد تلقیح با اسپرم غیر از شوهر گفت: «تلقیح رحم زن با اسپرم غیرشوهر حرام است». (Rouhani Aliabadi, 2006)

اما در حال حاضر، حدود ۵۰ مرکز ناباروری در ایران وجود دارد که به همراه مصر، بالاترین رتبه را در منطقه دارد. بیماران و زوج‌های نابارور از کشورهای دیگر نیز برای درمان ناباروری به ایران ارجاع داده می‌شوند. در واقع ایران قطب درمان ناباروری در خاورمیانه است. با این حال، حتی در ایران نیز دسترسی به خدمات درمان ناباروری برای همه، به‌ویژه زوج‌های نابارور و کم‌بضاعت، امکان‌پذیر نیست.

با تصویب قانون اهدای جنین در سال ۱۳۸۲ توسط مجلس شورای اسلامی، ایران تنها کشور مسلمانی است که برای اهدای جنین قانون وضع کرده است، اما متأسفانه هنوز برای سایر روش‌های درمان ناباروری قانونی تصویب نشده است. (Aflatounian, 2017)

چالش‌ها و خلأهای فقهی باروری از طریق خرید (ذخیره) تخمک و اسپرم

قرآن کریم ضمن اشاره به این واقعیت که برخی از گروه‌های زنان و مردان ممکن است به‌طور طبیعی نتوانند از نعمت فرزند بهره‌مند شوند، (شوری: ۵۰-۴۹) با بیان داستان نازایی همسر حضرت زکریا (ع)، آرزوی او برای فرزند و اجابت درخواست‌های او از جانب خداوند را به تفصیل شرح می‌دهد. (مریم/۸-۰۲) این آیات دو نکته مهم را در بر دارد: اول اینکه درمان ناباروری امری ممکن است که در برهه‌ای از زمان بدون دخالت انسان، بلکه از طریق دعا و اجابت آن توسط خداوند قابل انجام است. ثانیاً، از آیه مذکور می‌توان استفاده کرد که آرزوی فرزند توسط مرد یا زن نابارور، امری پسندیده و مشروع است و بنابراین، اگر کسی برای درمان ناباروری خود اقدامی انجام دهد، عملی مشروع است. بنابراین، استفاده از روش‌های کمک‌باروری در اسلام از طریق مجاری فقهی و قانونی آن، نه‌تنها مذموم نیست، بلکه می‌تواند جایگاه ارزشمندی نیز داشته باشد.

با توجه به موارد فوق، مشاهده می‌شود که در عمل، باروری زن از طریق غیرطبیعی در اسلام محقق می‌شود و در هر صورت، فرزند حاصل با صاحب اسپرم ملحق گردیده است. پیشرفت‌های علمی امروزه امکان لقاح نطفه انسان را از طریق دیگری غیر از روش‌های شناخته‌شده (تلقیح) فراهم کرده است، اما هنوز در مورد انواع لقاح و احکام شرعی آنها، بین علما و فقها اتفاق نظر وجود ندارد. در این بخش، قصد داریم انواع قابل تصور و موجود تلقیح مصنوعی را بررسی کنیم، احکام فقهی این حوزه را تحلیل کنیم و چالش‌ها و خلأهای موجود را طرح نماییم.

در ابتدا باید گفت که تلقیح مصنوعی از چند طریق امکان‌پذیر است:

۱- استفاده از اسپرم شوهر

۲- استفاده از اسپرم شخص دیگر

۳- استفاده از تخمک شخص دیگر

۴- استفاده از اسپرم و تخمک شخص دیگر

در بررسی دقیق‌تر می‌توان گفت که امکان تشکیل جنین در هر یک از این روش‌ها در سه حالت قابل تصور است:

۱- کشت در داخل رحم

۲- کشت در خارج از رحم

۳- کشت در محیط آزمایشگاه

اسپرم بیگانه

بیشتر مباحث فقهی و حقوقی مربوط به این نوع، یعنی تلقیح بین اسپرم و تخمک زن و مرد بیگانه است که هیچ‌گونه رابطه زوجیت بین آن دو وجود ندارد. این نوع تلقیح که از آن به (تلقیح ناهمگون، AID، غیرمشابه) یاد می‌شود، چه با رضایت زوجین و چه بدون آن، از دو منظر حقوقی و فقهی دارای نظرات متفاوتی است. به‌طور کلی، استفاده از این روش طرفداران کمی دارد اما مخالفان زیادی دارد. در واقع استفاده از اسپرم اهدایی زمانی اتفاق می‌افتد که زوجین اسپرم ندارند یا اسپرم آنها توانایی بارورسازی تخمک را ندارد. ۵۰ درصد ناباروری انسان ناشی از نقص مرد است و ۷۰- ۹۰ درصد این نقص‌ها ناشی از نقص در اسپرم تولیدشده است. این در حالی است که زوجه تخمک و رحم سالمی داشته باشد و همچنین اگر مرد دچار اختلالات ژنتیکی و ارثی باشد یا ناقل ناهنجاری‌های کروموزومی باشد، استفاده از اسپرم اهدایی برای زوجین توصیه می‌شود. (Akhondi, 2007)

برای اولین بار در میان مسلمانان، علامه شیخ محمد مصری این عقیده را ابراز کرد که تلقیح با نطفه غیرشوهر به هر شکلی حرام است و اگر این کار با آگاهی انجام شود، رابطه نامشروع و زنا است. پس از انتشار گسترده این موضوع، شورای فقه اسلامی سازمان کنفرانس اسلامی، با همفکری همه کشورها، تلقیح با اسپرم غیرشوهر را صرف‌نظر از نوع آن ممنوع اعلام کرد. (Rezaeia, 2017) در مورد استفاده از اسپرم بیگانه، اکثر فقها حکم به حرام بودن آن داده‌اند. (Makarem Shirazi, 1996) در مقابل برخی نیز حکم به جواز داده‌اند. (Rezaeia, 2017)

در مورد تزریق اسپرم مرد بیگانه به رحم زن، باید دو فرض را از هم تفکیک کرد. فرض اول موردی است که اسپرم مرد بیگانه به زنی تزریق شود که شوهر قانونی دارد و قاعدتاً احتمال باردار شدن زن توسط شوهرش معقول است. در این صورت، طبق ماده ۱۱۵۸ قانون مدنی اسلامی، هرگاه از تاریخ نزدیکی شوهر تا تولد طفل کمتر از ۶ ماه و بیشتر از ۱۰ ماه گذشته باشد، طفل شرعاً به شوهر ملحق است. و به عبارت روشن‌تر، مادامی که احتمال محرمیت بین زوجین و انعقاد نطفه از اسپرم شوهر وجود دارد، به صرف تلقیح توسط بیگانه، نمی‌توان طفل را به صاحب اسپرم تزریق‌شده منتسب کرد یا به‌کلی نفی نسب نمود. بلکه مفاد قاعده فراش و دلالت ماده ۱۱۵۸ قانون مدنی اسلامی ایجاب می‌کند که طفل را به شوهر قانونی و شرعی زن منتسب کنیم. چنانکه برخی از فقهای امامیه نیز در این مورد فتوا داده‌اند: اشکالی در این نیست که اگر زنی با نطفه بیگانه‌ای باردار شود و شوهر شرعی زن با او نزدیکی کند و احتمال انعقاد فرزند از نطفه شوهر وجود داشته باشد، فرزند متولدشده به شوهر ملحق گردیده است. (Rouhani Aliabadi, 2006)

فرض دوم این است که زن شوهر ندارد یا به‌طور معمول امکان بارداری شوهرش را ندارد یا اینکه یقین داشته باشیم که بارداری ناشی از اسپرم شوهر نیست. برخی از فقها بین علم و جهل طرفین نسبت به عمل تلقیح تفاوت قائل شده‌اند. دکتر امامی در مورد جهل طرفین این‌گونه اظهار نظر کرد: «اگر زن و مرد نسبت به حقیقت امر جاهل بوده باشند، طفل با والدین طبیعی خود متحد است زیرا طفل مورد بحث، طفل شبهه محسوب می‌شود.» همان‌گونه که جاهل به حرمت رابطه، طفل را در ولد به شبهه ملحق به خود می‌کند، اما اگر یکی از آن دو جاهل به حقیقت امر باشند، طفل نسبت به او در حکم ولد شبهه است. (Amin, 2009) اما اگر جهل طرفین به عمل لقاح باشد، از نظر تحلیل می‌توان بر آن بود که هر فرزند طبیعی قانونی است مگر آنکه قانون تصریح به خلاف نموده باشد و موردی که قانون به رسمیت نشناخته ولدالزناست که ملحق به کسی که مرتکب زنا شده است نمی‌گردد و در بقیه موارد طفل ملحق به پدر و مادر است. سپس ایشان اضافه می‌کنند به نظر می‌رسد که پیروی از نظر اول با اصول اخلاقی و حفظ خانواده که

سلول‌های متشکله اجتماع است، چنانچه در جلسه سوم از آن پیروی شده، اولی باشد، ولی از نظر قضایی محض نمی‌توان از نظر اخیر دست برداشت. (Amin, 2009) آنچه از اصول و قواعد حقوقی استنباط می‌شود این است که طفلی که از تلقیح مصنوعی به‌وسیله اسپرم بیگانه در رحم زن اجنبی متولد می‌شود، ملحق به صاحب اسپرم است. زیرا عرف، ایجاد فرزند از انسان دیگر را منشأ اعتبار و انتزاع رابطه نسبی می‌داند و قانونگذار در این زمینه نظریه عرف را پذیرفته و فقط در مورد زنا، نسب را منتفی دانسته است. و از آنجا که تلقیح از نظر عرف و قانون زنا محسوب نمی‌شود، از نظر عرف نیز صحیح است که این کودک را «ولد» بنامیم و در این مورد منع صریح قانونی وجود ندارد. باید بر این عقیده بود که طفل ملحق به صاحب نطفه است. ممکن است که ایراد شود که مفهوم مخالف اماره فراش چنین اقتضاء می‌کند که الحاق ولد طفل فقط در مورد وجود فراش امکان‌پذیر است و در غیر مورد فراش، خواه زنا خواه لقاح مصنوعی، اصولاً طفل ملحق به کسی نیست. پاسخ به این ایراد این است که اصولاً قاعده فراش یک قاعده ظاهری است که برای موارد مشکوک وضع گردیده و مفهوم آن این نیست که با انتفای فراش نسب منتفی است. (Amin, 2009)

با این حال، نتیجه‌گیری در این بحث نیازمند بررسی بیشتری است. در مورد مشروعیت یا ممنوعیت تلقیح با اسپرم بیگانه در ایران، هیچ اختلافی بین مراجع و فقهای گذشته در مورد ممنوعیت تلقیح با اسپرم غیرشوهر وجود ندارد. و از آیات عظام، امام خمینی، خوئی و گلپایگانی و اراکی (رحمه‌الله علیهم) فتاوای صریحی در این مورد صادر گردیده است.

آیت‌الله خمینی (ره) در این زمینه فرموده‌اند: اگر عمل تلقیح با منی غیرشوهر انجام گیرد و زن دارای شوهر باشد و مسلم باشد که بچه ناشی از تلقیح است، شکی نیست که بچه به شوهر ملحق نمی‌شود و اگر تلقیح از روی شبهه صورت گرفته باشد، همانند مورد وطی به شبهه، بچه ملحق به زن و صاحب منی می‌شود. پس اگر مردی منی خود را به زنی به خیال اینکه همسر خودش است تلقیح کند و بعد خلاف آن معلوم شود، بچه حاصل از این تلقیح ملحق به صاحب منی و زن است، ولی اگر تلقیح با علم و عمد به زن اجنبی صورت گرفت، الحاق بچه به صاحب منی و زن مشکل است (چون عمل غیرمشروع و در حکم زنا بوده است)، هرچند ملحق شدن بچه صحیح‌تر به نظر می‌رسد، ولی ناچار باید در آن احتیاط کرد و در حکم ارث در خصوص تلقیح از روی شبهه همانند وطی به شبهه است و در مورد تلقیح عمدی حرام باید احتیاط کرد. (Makarem Shirazi, 1996)

اما در بین فقهای متأخر اختلاف نظر شدیدی در این باره دیده می‌شود. جمعی از مراجع مانند صافی گلپایگانی، فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، شیخ جواد تبریزی، بهجت، منتظری، موسوی اردبیلی، نوری همدانی، صانعی، یحیی نوری، مدنی تبریزی، سیستانی، جعفر سبحانی و ... فتوای صریح درباره حرام بودن این عمل صادر کرده‌اند. در مقابل، برخی از فقه‌پژوهان کشور مانند سید محمد موسوی بجنوردی در سال ۱۳۷۱ شمسی نظریه دیگری ارائه کردند. ایشان در این تاریخ نوشت: «این کار زنا محسوب نمی‌شود و از عناوین محرمه هم که در شرع حرام شده باشد نیست، لذا براساس اصل اصاله‌الاباحه جایز است.»

آیت‌الله خامنه‌ای نیز همچون فتوایی که در مورد تلقیح اسپرم شوهر داده بودند، معتقدند: «تلقیح نطفه اجنبی به رحم زن موجبی برای منع ندارد، ولی از مقدمات حرام باید اجتناب نمود.»

با این وجود، در سال ۱۳۷۲ مجمع فقه اهل‌بیت مسئله تلقیح را در دستور کار خود قرار داد و در اظهارنظر نهایی درباره تلقیح اسپرم غیرشوهر فرمود: «تلقیح اسپرم غیرشوهر به رحم زن حرام است.» (Rezaeia, 2017)

لازم به ذکر است که معتقدین حرمت به مسئله حفظ فروج که در آیات و روایات متعددی مورد تأکید قرار گرفته است استناد می‌نمایند:

«الَّذِینَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ اِلَّا عَلَی اَزْوَاجِهِمْ اَوْ مَ ا مَلَکَتْ اَیْمَانُهُمْ فَاِ نَّهُمْ غَیرُ مَلُومِینَ فَمَنِ ابْتَغَی وَرَاءَ ذَالِکَ فَاُولَئِکَ هُمُ الْعَادُونَ» (مؤمنون ۵-۷)

«و کسانی که پاکدامنند، مگر در مورد همسرانشان یا کنیزانی که به دست آورده‌اند، که در این صورت بر آنان نکوهشی نیست، پس هر که فراتر از این جوید، آنان از حد درگذرندگانند.»

همچنین در روایت علی بن سالم از امام صادق (ع) آمده است که: «ان اشد الناس عذابا یوم القیامه رجل اقر نطفه فی رحم یحرم علیه.» (Rezaeia, 2017)

همچنین در روایت دیگری عمار بن موسی ساباطی از ایشان نقل کرده است که: «کل ما انزل به الرجل ماءه من هذا و شبهه فهو زنا». (Rezaeia, 2017)

سلیمان بن داوود نیز به واسطه چندین نفر از اصحاب که از ابی‌عبدالله شنیده بودند نقل می‌کند که حضرت رسول فرمودند: «لن یعمل آد عملاً اعظم عند الله تبارک و تعالی من رجل قتل نبیاً او اماماً او هدم الکعبه التی قبله لعباده، او افرغ ماءه فی امراه حراما». از آنجا که تلقیح اسپرم اجنبی را از موضوعات مربوط به فروج می‌دانند، اینان فرض مزبور را در ذیل قاعده عمومی باقی می‌گذارند مگر مخصص و دلیلی که مورد قبول شرع باشد یافت گردد. پس از نگاه ایشان تا زمانی که چنین مخصص مقبولی یافت نشده است، تمام اعمال مربوط به فرج‌ها تحت حاکمیت این قاعده قرار داشته و اموری چون دلسوزی و ترحم نمی‌تواند سلطه این قاعده را محدود نماید، چرا که «حرام محمد حرامٌ الی یوم القیامهٔ و حلال محمد حلالٌ الی یوم القیامهٔ». (Rezaeia, 2017)

اما موافقان تلقیح با اسپرم بیگانه می‌گویند که آیات قرآن اساساً به زنا و روابط نامشروع با مردان بیگانه اشاره دارد و تلقیح، زنا محسوب نمی‌شود. معنای قطعی دوری از غیرهمسران، نگهداری از بیگانگان با انگیزه بهره‌برداری جنسی است و شامل ورود اسپرمی که به‌صورت مشروع از آلت تناسلی او خارج شده و با وسیله پزشکی وارد دستگاه تناسلی زن شده است، نمی‌شود. (Rezaeia, 2017) در مورد روایات نیز باید گفت که سند روایت اول و سوم اشکال دارد. (Rezaeia, 2017) همچنین گفته شده که راوی سند اول مجهول است. (Rezaeia, 2017) روایت دوم نیز گرچه سندی معتبر دارد، اما دلالتی عام و مطلق دارد. از دیگر سو، جریان اصل برائت و قاعده اباحه نیز مادامی که دلیلی صریح بر منع و حرمت عملی یافت نشود، مؤید حکم حلیت است، چرا که خداوند بندگان خویش را در گشایش گذاشته و آنسان که می‌دانید دشواری را بر آنان ننهاده است. (Rezaeia, 2017) چنانچه شیخ محمدتقی جواهری در پاورقی کتاب «الحلال والحرام فی الاسلام» دکتر قرضاوی فرمودند: «دلیلی بر حرمت تلقیح نطفه مرد اجنبی به زن به وسیله شوهر وجود ندارد و اصل اباحه این عمل را تجویز می‌کند.» (Mehrparvar, 2007)

با این حال، برخی از موافقان، احتمال فروپاشی خانواده و نگرانی از بچه‌دار نشدن زوجین را در استدلال خود گنجانده‌اند و حکم ممنوعیت را مانعی برای خوشبختی برخی خانواده‌ها می‌دانند. (Amin, 2009) اما به نظر می‌رسد که شفقت و رحمت هرگز نمی‌تواند منجر به رهایی از تکالیف دینی شود و هرگز نمی‌توان در فرآیند استدلال برای جواز یا ممنوعیت یک عمل به آن استناد کرد.

در ادامه این بحث، ابهامی که مطرح می‌شود، مسئله انتساب فرزند و ارتباط آن با مشروعیت است. این اشکال از آنجا ناشی می‌شود که برخی از فقها حتی فرزند زنا را نیز دارای نسب می‌دانند و معتقدند فرزند متولد از زنا به زانی و زانیه ملحق می‌شود و تنها ارث به حکم نص خاص، مستثنی است. (Rezaeia, 2017)

به نظر می‌رسد در فقه هیچ ملازمه‌ای بین تحقق نسب و مشروع بودن فرزند وجود ندارد و نمی‌توان از تحقق نسب به مشروع بودن فرزندان رسید، چنانکه در مورد فرزند حاصل از ازدواج، نسب نیز محقق می‌شود. همچنین در مورد تحقق نسب، همانند مشروعیت،

بین علما و فقها اختلاف نظر وجود دارد. در حالی که برخی معتقدند نسب مشروع و محقق‌شده است، برخی دیگر معتقدند نسب نامشروع و محقق‌نشده است. گروه اخیر زنای محصنه را منحصراً عامل نسب نامشروع نمی‌دانند، بلکه زنای محصنه را شایع‌ترین راه برای تولید فرزند طبیعی می‌دانند که به‌عنوان مصداق بارز روابط نامشروع، موضوع حکم قرار گرفته و در نتیجه فرض ما را نیز شامل آن می‌کند. (Amin, 2009) در حالی که باید گفت اصل این است که هر فرزندی به والدین طبیعی خود ملحق می‌شود مگر اینکه قانون استثنا قائل شود و تنها موردی که قانون استثنا قائل شده، زنای محصنه است که به‌عنوان فرد غالب در تماس جنسی بین زن و مرد حکم شده است. و طبق اصل تفسیر مضیق استثنائات در قانون، تلقیح مصنوعی را نباید علی‌الاصول استثنایی دانست. علاوه بر این، تحقق نسب با مصلحت کودک نیز سازگار است و به استحکام و اعتبار خانواده کمک می‌کند. باید گفت حتی اگر معتقد باشیم که تلقیح با اسپرم بیگانه جایز نیست، نباید حق نسب را از کودک سلب کنیم. اگرچه دلیل قطعی بر عدم جواز فرض مذکور وجود ندارد، اما طبق آنچه در گذشته گفته شد، در خود این عمل نیز منعی وجود ندارد. بنابراین نسب ثابت است، اما نکته اینجاست که فرزند مورد بحث به والدین طبیعی خود ملحق شده است، در حالی که این خانواده زن بوده‌اند که قصد فرزندآوری داشته‌اند، نه صاحب نطفه. باید با قاطعیت گفت که فرزند به شوهر زن منتسب نیست و این امری شایع است.

در زمینه حضانت و سرپرستی قانونی نیز باید گفت که این مسئله با رضایت و تعهد شوهر نسبت به زن قابل حل است، اما در مورد نفقه، حتی رضایت اولیه شوهر و موافقت او با تلقیح مصنوعی نیز نمی‌تواند از نظر قانونی تعهدی برای شوهر در تأمین مخارج فرزند ایجاد کند، زیرا تعهد به تأمین نفقه از ایجاد رابطه خویشاوندی ناشی می‌شود.

در مورد مسئله محرمیت، از آنجا که زن دریافت‌کننده اسپرم اهدایی، صاحب تخمک است، مادر کودک محسوب می‌شود، و بنابراین به مادرش محرم است. از طرف دیگر، دخترخوانده، شوهر مادرش محسوب می‌شود، و بنابراین به او محرم است. ماده ۳۹۳ قانون مدنی در قسمت موانع نکاح نیز به این محرمیت اشاره دارد و بیان می‌کند که اگر مردی با مادر دختری نزدیکی کرده باشد، نمی‌تواند او را به عقد خود درآورد. (Mokhtari et al., 2020) در این زمینه می‌توان ادعای اجماع در فقه امامیه کرد و معتقد بود که خلافی در این زمینه نمی‌توان یافت. (Mokhtari et al., 2020)

طبق ماده ۸۶۱ قانون مدنی ایران، نسب یکی از ادله شناخته‌شده برای ارث است. ارث کودکان متولد از طریق تلقیح مصنوعی منوط به اثبات یا عدم اثبات نسب بین طفل و صاحب اسپرم و تخمک است. اگر رابطه نسبی بین طفل و صاحب اسپرم از یک طرف و صاحب تخمک از طرف دیگر به رسمیت شناخته شود، توارث بین آنها برقرار است. برعکس، اگر هیچ رابطه خویشاوندی بین کودک و والدینش وجود نداشته باشد، مسئله ارث بین آنها باطل خواهد بود. برخی از حقوقدانان مانند کاتوزیان، امامی، جعفری لنگرودی و شهیدی بین مواردی که تلقیح با اطلاع یا بدون اطلاع مرد یا زن انجام می‌شود، تمایز قائل شده‌اند و فرزند حاصل از تلقیح مصنوعی را در صورت آگاهی مرد یا زن، فرزند حاصل از زنا دانسته‌اند. ایشان معتقدند نسب و به تبع آن، ارث قابل اثبات نیست و در جهل خود، حکم فرزندآوری را مشکوک دانسته‌اند. از آنجایی که فرزند حاصل از تلقیح مصنوعی از تخمک زن، فرزند زنا محسوب نمی‌شود، در این واقعه زنا رخ نداده است. بنابراین، طبق ماده ۸۸۴ قانون مجازات اسلامی، بین مادر و فرزند، همانند مادر و فرزند حاصل از آمیزش طبیعی، ارث وجود دارد. (Omidian, 2017) و در واقع بین طفل و مادر طبیعی و خویشاوندان مادری او توارث برقرار می‌شود. (Omidian, 2017)

برای حل مشکل عدم ارث بردن کودک حاصل از اهدای گامت یا جنین به دلیل عدم انتساب نسب و در نتیجه، عدم قابلیت ارث بردن از اهداکنندگان به دلیل ناشناس بودن آنها، راه‌حلی که وجود دارد و می‌تواند شبهارثی از والدین ایجاد کند، حکم به عدم ارث‌بری کودک است. این روش به این صورت است که پس از اهدای گامت و انعقاد نطفه در رحم، ضمن عقد لازم دیگری، گیرندگان گامت یا زیگوت متعهد می‌شوند که حضانت و نگهداری طفل بر عهده آنها خواهد بود و لازم است وصیت کنند که این طفل در حد ثلث سهمی معادل سهم یکی از ورثه در طبقه اول دریافت کند. (Omidian, 2017)

تخمک بیگانه

همان‌طور که در بخش قبل مطرح شد، باید توجه داشت که ارائه حکم قطعی نیازمند بررسی بیشتر و دقت نظر است. با این حال، برخی از محققان راهکارهای مختلفی را برای حل مشکل مشروعیت ارائه داده‌اند. برای مثال، یکی از محققان این حوزه می‌نویسد: با توجه به مشروعیت چندهمسری در کشورهای اسلامی، اگر همسر یک زوج فاقد تخمک باشد، در صورت امکان، زوج باید با تخمک اهداکننده را به عقد خود درآورد. (Rezaeia, 2017) در مجموع باید گفت که تمام اختلاف نظرهای موجود در بحث قبلی، اینجا نیز وجود دارد و هم مخالفان و هم موافقان، چه از منظر دینی و چه از منظر حقوقی، به شواهد و مدارک خود استناد کرده و استدلال می‌کنند.

در فرض مورد بررسی، ممکن است تخمک اهدایی متعلق به همسر دوم مرد صاحب اسپرم باشد که در این صورت، دلیل کافی برای منع استفاده از فرض ما وجود ندارد. و اصولاً استفاده از تخمک همسر دوم، چه رابطه زناشویی شرعی بین آن دو دائمی باشد و چه منقطع، برای لقاح اسپرم مرد و در نتیجه، بارداری همسر دیگر مرد از جنین حاصل، اشکالی ندارد. زیرا از یک سو، مقتضای قاعده احتیاط و منافات آن با اهداف تشریع ازدواج، دلیل محکمی برای ممنوعیت فرض مذکور نیست، از سوی دیگر، حتی اگر موضوع فرض مشمول نهی آیات قرآن، در خصوص حفظ بکارت باشد، چه تعبدی باشد و چه مبتنی بر معیاری منطقی و قابل فهم، باز هم می‌توان گفت که فرض پیش‌گفته شامل نهی ناشی از آیات نمی‌شود. زیرا اگر حکم آیات را امری تعبدی بدانیم، به احتمال زیاد منظور از حفظ فروج، حفظ فروج از اسپرم است. و اگر مفاد آیات را به‌عنوان یک حکم غیرشرعی مبتنی بر معیاری قابل فهم در نظر بگیریم، از آنجا که به گفته بسیاری از فقها، این معیار برای جلوگیری از پیامدهایی مانند اختلاط نسب و سست شدن بنیان خانواده است، باید گفت در فرض مذکور، چنین عواقبی ایجاد نخواهد شد زیرا صاحب اسپرم، شوهر، صاحب رحم و زوجه قانونی، صاحب تخمک است. البته همان‌طور که گفته شد، دلیلی بر حرام یا ممنوع بودن عمل مذکور وجود ندارد.

اما حالت دیگری که قابل تصور است، حالتی است که تلقیح مصنوعی بین اسپرم مرد و تخمک زنی که با او رابطه زناشویی ندارد، رخ دهد. در این صورت، برخی از فقها آن را جایز می‌دانند. (Rezaeia, 2017) و برخی دیگر آن را حرام می‌دانند. (Rezaeia, 2017) از نظر نسب نیز باید گفت که صاحب تخمک و صاحب اسپرم، پدر و مادر هستند و صاحب رحم هیچ‌گونه رابطه‌ای با فرزند ندارد. البته به دلیل محرمیت بین پدر و همسر فرزند، ازدواج بین آنها ممنوع است.

در واقع باید گفت اگر ملاک مادر بودن، زایمان باشد، مادر به شخصی اطلاق می‌شود که طفل از او متولد می‌شود. اما اگر تخمک در این امر تأثیرگذار باشد، به نظر می‌رسد با توسل به اصول بنیادینی مانند اصل عدم حرمت و قرابت، حکم به تحقق قرابت صحیح نباشد. و ماده ۱۰۴۶ ق.م.ا که حکم طفل و مادر رضاعی را داده است، شرایط خاصی را نیز در نظر گرفته و گفته است که پوست و گوشت طفل از آن بروید. اگرچه به نظر می‌رسد که این

فقط یک معیار است، اما شاید از آنجایی که حکم خاص است، نتوان آن را به موارد دیگر تعمیم داد.

در بررسی رابطه نسبی با صاحب تخمک با توجه به سوره آل‌عمران «فلمّا وضعتها قالت رب انّی وضعتها انث یو اعلم بما وضعت» که سه بار به زایمان اشاره شده است، به نظر می‌رسد ملاک مادر بودن وضع حمل و زائیدن نیست و از این جهت که تعبیر به ولادت نکرده است، احکام ارث و نکاح و بین فرزند و صاحب تخمک علی‌الاصول باید برقرار باشد.

نارسایی‌های قانونی باروری مصنوعی به روش اهدای تخمک و اسپرم

در ایران هیچ قانونی در مورد باروری از طریق اهدای اسپرم یا تخمک وضع یا تأیید نشده است، در حالی که در مورد وضعیت حقوقی فرزندان متولدشده و والدین درگیر در مسائل مربوط به تلقیح مصنوعی، مباحث زیادی قابل طرح و بحث است. این در حالی است که تنها قانونی که در این زمینه وضع شده، قانون «روش‌های اهدای جنین به زوجین نابارور» است که در سال ۱۳۸۲ در پنج ماده تصویب شد و بسیاری از سؤالات در این زمینه را بی‌پاسخ گذاشته است. (Mehrparvar, 2007) در خصوص پیشینه تاریخی تصویب این قانون، پژوهشکده بیولوژی و بیوتکنولوژی باروری و ناباروری جهاد دانشگاهی که به اختصار پژوهشگاه ابن‌سینا نامیده می‌شود، در سال ۱۳۷۷، پیش از برگزاری سمیناری با عنوان «سمینار بررسی مسائل فقهی و حقوقی اهدای جنین»، از برخی مراجع تقلید درخواست کرد تا نظرات خود را در مورد اهدای جنین ارائه دهند. در نتیجه نظر متفق‌القول فقها در مورد جواز اهدای جنین، پیگیری‌های پژوهشکده، قانونگذار ایران تصمیم به تصویب قوانینی در مورد ناباروری گرفت و در این راستا در تاریخ ۲۱ فروردین ۱۳۸۲ قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور را تصویب کرد. (Mehrparvar, 2007)

بنابراین شاید اگر پیگیری‌ها، برگزاری جلسات و درخواست صدور فتوا نبود، این قانون به تصویب نهایی نمی‌رسید، همان‌طور که در حال حاضر این خلأ قانونی در مورد موضوع اهدای اسپرم و تخمک وجود دارد، زیرا به موارد رسیدگی نشده است. دکتر محقق داماد در مورد قوانین مربوط به تلقیح مصنوعی که در ایران تصویب شده است، معتقد است: «علی‌رغم اینکه کشورهای غربی علاقه‌ای به باروری ندارند، قوانین سیستماتیکی برای آن نوشته‌اند. قانون انگلستان ۵۰ ماده دارد و به همه شاخه‌ها اشاره کرده و هیچ ابهامی برای قضات باقی نمی‌گذارد، همچنین قانون استرالیا و قانون ناباروری در فرانسه هر دو بسیار جامع‌اند، اما کشور ما تنها یک قانون ۵ ماده‌ای تصویب کرده است.» (Mehrparvar, 2007) البته همین قانون، به گفته بسیاری از کارشناسان حقوقی، خلأها و ابهامات زیادی دارد که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- برخلاف قوانین برخی کشورهای دیگر، قانون ایران هیچ محدودیتی برای اهداکنندگان جنین یا سلول‌های جنسی از نظر سن، تعداد دفعات اهدا و غیره اعمال نمی‌کند.

۲- تابعیت جنین مشخص نیست و قانون در این مورد توضیحی ارائه نکرده است.

۳- در مورد اهداکننده و گیرنده، شرط عدم اعتیاد به مواد مخدر آورده شده است، در حالی که در انگلیس، فرانسه و استرالیا علاوه بر مواد مخدر، به اعتیاد به الکل نیز اشاره شده است. با این حال، قانونگذار ما هیچ توجهی به آن نکرده است.

۴- از آنجا که ولایت هم حق و هم تکلیف است، اگر گیرنده گامت (اسپرم یا تخمک) یا زیگوت (جنین اهدایی) فردا از کودک مراقبت نکند، آیا اهداکننده هیچ مسئولیتی ندارد؟

۵- بحث ارث، محرمیت، نسب و غیره همگی در قانون مسکوت مانده‌اند. (Mehrparvar, 2007)

مسئله مهم در اینجا این است که چرا قانونگذاران قوانینی هرچند ناقص در رابطه با جنین اهدایی وضع کرده‌اند، اما خلأ قانونی مربوط به اهدای تخمک و به‌ویژه اهدای اسپرم را در نظر نگرفته‌اند. از مرحوم بروجردی که در سال ۱۳۴۰ شمسی فوت کردند، در مورد تلقیح مصنوعی سؤال شد، پس معلوم می‌شود که موضوع قدیمی است و سابقه دارد، حال سؤال این است که چرا قانونگذار نسبت به این امر هیچ‌گونه تعیین تکلیفی نکرده است.

قانون بر اساس مصالح خاموش عمل می‌کند. اما این مصالح گاهی خطرناک هستند. به نظر می‌رسد که قانونگذار نمی‌خواسته این امر به یک رویه عادی تبدیل شود. یعنی حتی اگر گرفتن اسپرم از فرد دیگری و تزریق آن به زن غریبه قانونی بود، نمی‌خواسته این امر به یک رویه عادی در جامعه ما تبدیل شود. زیرا فتوای فعلی حتی از مقام معظم رهبری این است که تلقیح اسپرم مرد بیگانه به زن بیگانه اشکالی ندارد و دلیل این امر را عدم وجود دلیل بر حرام بودن آن دانسته‌اند. ظاهراً قانونگذار از اینکه جامعه به جایی برسد که بانک‌های اسپرم تشکیل شود، طفره رفته است. و نطفه‌های مجهول‌الهویه که معلوم نیست مال کیست و افراد هر جور که می‌خواهند انتخاب کنند، این کار به صلاح است که انجام نشود. اما با تصویب قوانین جامع و کامل در باب موضوع تلقیح مصنوعی، بالاخص روش اسپرم و تخمک اهدایی، می‌توان جلوی این نابهنجاری‌ها را گرفت و افراد را در مسیر درست هدایت کرد. در واقع، وقتی نظارت لازم از سوی نهادهای ذی‌صلاح وجود نداشته باشد، افراد طبق سلیقه شخصی خود عمل می‌کنند، تا جایی که ناهنجاری به هنجار تبدیل می‌شود.

برخی از حقوقدانان معتقدند، به‌جز ترکیب اهدای جنین و رحم جایگزین که مشابه ولایت و فرزندخواندگی است، در سایر موارد اهدای ترکیبی (اهدای اسپرم یا تخمک)، می‌توان حقوق والدین کودک را مشابه اهدای ساده دانست. اما با توجه به قوانین موجود در ایران، به نظر می‌رسد که ما برای کودک به سرپرستی گرفته‌شده و همچنین برای کودک حاصل از جنین اهدایی که شبیه فرزندخوانده است، قوانینی را تصویب کرده‌ایم، اما برای کودک حاصل از اهدای تخمک یا اسپرم، حداقل نسب کودک از یک طرف مشخص است. و از نظر ژنتیک نیز به دلیل مشترک بودن یکی از والدین، امکان انتقال ۵۰ درصد ژن وجود دارد. هیچ قانون مصوبی نداریم. در واقع باید گفت با استناد به ماده ۱۶۷ قانون اسلامی، به دلیل سکوت قانونگذار، باید به نظرات فقها مراجعه کرد. این وضعیت زمانی بدتر هم می‌شود که نظرات فقها به‌شدت متناقض و متضاد است و این بحرانی است که این روزها زوج‌های نابارور با آن مواجه هستند. یکی دیگر از نقص‌های اساسی قانون ما، نامشخص بودن وضعیت حقوقی کودکان متولدشده از طریق لقاح مصنوعی است. برای مثال، کودکانی که از طریق اهدای گامت متولد می‌شوند و خود هیچ نقشی در تولد خود نداشته‌اند، باید مانند سایر کودکان از برخی حقوق مادی برخوردار باشند. آنها از والدین بیولوژیکی خود ارث نمی‌برند زیرا آنها ناشناخته هستند و از سوی دیگر، رابطه فامیلی با گیرندگان اسپرم و تخمک ندارند. بنابراین، مسئولیت این کودک در مورد بهره‌مندی از اموال والدینش چگونه خواهد بود؟ (Borhani et al., 2009)

نتیجه‌گیری

گذشته از نامشخص بودن وضعیت حقوقی کودکان حاصل از تلقیح مصنوعی از طریق خرید تخمک یا اسپرم، از جمله ارث، نسب و محرمیت، به‌ویژه در مواردی که حتی فقها نیز نمی‌توانند به نظر واحدی برسند، اولین گام در تدوین مقررات و تنظیم فعالیت‌ها در این حوزه، ارائه تعریف حقوقی مشخص از عناوین و موضوعاتی است که در استفاده از فناوری‌های نوین کمک‌باروری به کار می‌روند. موضوعاتی مانند جنین، اسپرم، تخمک، زیگوت، رویان و جنین از جمله موضوعاتی هستند که باید توسط قانونگذار به دقت تعریف شوند. همان‌طور که بررسی قوانین سایر کشورها نشان می‌دهد، قانونگذار انگلیسی در ماده ۱ قانون ۱۹۹۰ این

اصطلاحات را تعریف کرده است و این اصطلاحات در قانون ۱۹۹۵ ایالت ویکتوریا نیز تعریف شده‌اند. همچنین مناسب است مفهوم، شرایط و روش‌های نگهداری و حفاظت مانند ماده ۲ قانون ۱۹۹۰ قانون انگلیس بیان شود تا از برخی ابهامات موجود کاسته شود.

همچنین وقت آن رسیده است که نظرات معتبر حقوقدانان که مبتنی بر اصول و اخلاق نیز هستند، در قانون راه پیدا کنند تا زوج‌های نابارور با حداقلی از حقوق خود آشنا شوند و ابهامات در این زمینه تا حدودی کاهش یابد. در واقع، قانون ما ایجاب می‌کند که اعمال مجاز و ممنوعه شناسایی و معرفی شوند و شرایط استفاده از اعمال مجاز به‌طور واضح بیان شود. همان‌طور که قانون ۱۹۹۰ انگلستان به‌صراحت بیان می‌کند، در حقوق ایران متأسفانه قانونگذار وضعیت را روشن نکرده است. در عوض، نویسندگان و مراجع تقلید فقهی و حقوقی در پاسخ به استفتائات، نظرات خود را بیان کرده‌اند و بررسی این نظرات در بخش قبلی، تفاوت فاحش این دیدگاه‌ها را نشان داد. بنابراین، با توجه به ابهام موجود، دیگر نمی‌توان سکوت قانون را پذیرفت و آن را نقض حقوق افراد ننامید.

قانون ما همچنین باید به پرسش‌های پیچیده‌ای که این روزها توسط مراکز پزشکی و درمانگران مطرح شده و حقوقدانان در مورد آنها موضع روشنی اتخاذ نکرده‌اند، پاسخ دهد. به‌عنوان مثال: آیا انتقال گامت افراد مرده به رحم، خواه قبل از ترکیب یا پس از ترکیب و لقاح با گامت دیگری، به‌منظور تولیدمثل چه وضعیتی دارد؟ انتقال گامت تولیدی کودکان قبل از بلوغ و سن رشد چه وضعیتی دارد؟

استفاده از گامت، زایگوت و جنین متعلق به غیرمسلمان برای مسلمان و برعکس چگونه است؟ آیا انتقال گامت یا جنین حاصل از گامت موجودات غیرانسانی به انسان رواست؟ اختلاط گامت، زایگوت و جنین چند انسان با یکدیگر و یا زایگوت و جنین حاصل از چند انسان با هدف تولید فرزند چه وضعیتی دارد؟ آیا اختلاط گامت تولیدی حیوان با گامت تولیدی انسان و یا زایگوت و جنین تولیدی حیوان با انسان جایز است؟ آیا پرداخت و دریافت وجه در ازاء اهداء گامت و زایگوت و جنین رواست یا خیر؟ در صورت جواز، تحت چه عنوان قابل پرداخت یا دریافت است؟ برای چه مدت و تحت چه شرایطی نگهداری اسپرم و زایگوت و جنین رواست؟ از بین بردن این موجودات چه وضعیتی دارد؟ تحت چه شرایطی می‌توان آنها را از بین برد؟ چه تعداد زایگوت یا رویان در هر سیکل درمان باروری قابل انتقال است؟ حداقل و حداکثر قانونی چه تعداد می‌باشد؟ در صورت لانه‌گزینی چندین جنین آیا تقلیل آن جایز است؟ تحت چه شرایطی و تا چه مدت زمانی این عمل ممکن است؟ آیا اساساً انتخاب جنس کودک دلخواه جایز است یا خیر؟ در صورت جواز تحت چه شرایطی و کدام نوع آن و در چه مرحله‌ای جایز می‌باشد؟

یکی دیگر از نقص‌های اساسی قانون ما، نامشخص بودن وضعیت حقوقی فرزندان حاصل از این روش‌ها است. هدف اصلی روش‌های رایج کمک‌باروری، تولید فرزند است. بنابراین تعیین سرنوشت آنها مهم‌ترین موضوع در این‌گونه مباحث است. به همین دلیل در قوانین کشورهای پیشرفته، قانونگذار به‌صراحت جایگاه حقوقی آنها را مشخص کرده و مسئول اداره امور کودک حاصل از این روش‌ها را تعیین می‌کند. نخستین پرسش در این خصوص مشروعیت نسب و تعیین پدر و مادر قانونی است. در صورتی که کودک محصول اسپرم و تخمک زن و شوهر باشد مشکلی وجود ندارد، اما اگر کودک محصول اسپرم بیگانه، تخمک زنی دیگر و زایگوت و جنین حاصل از گامت دیگری باشد چگونه پدر و مادر قانونی را باید تعیین نمود؟ از این گذشته، مسئولیت کودک مزبور با کدام است: صاحبان نطفه، در حالی که آنان فقط اسپرم، تخمک، زایگوت و جنین اهداء کردند و هیچ انگیزه‌ای برای فرزنددار شدن نداشتند، یا دریافت‌کنندگان نطفه و جنین؟ رابطه شرعی آنان با این

افراد چگونه است؟ آیا با هم رابطه محرمیت دارند یا خیر؟ چه نوع رابطه محرمیتی فی‌مابین آنان متصور است؟ این پرسش‌ها گرچه در ادبیات تحقیق کشور ما با تفصیل قابل ملاحظه‌ای مورد بحث حقوقدانان و نویسندگان فقهی قرار گرفته، ولی همان‌طور که اشاره شد این اظهارنظرها حاکی از اختلاف نظر فاحش است و صرفاً درمانگران را دچار تشویش و اضطراب نموده است.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافعی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The rapid expansion of biomedical sciences and assisted reproductive technologies has generated a wide range of jurisprudential and legal questions concerning the permissibility, regulation, and consequences of using donated or purchased reproductive material. Among these issues, the purchase, storage, and subsequent use of oocytes and sperm occupy a particularly sensitive position because they intersect with fundamental concepts of lineage, marriage, inheritance, family integrity, bodily autonomy, and religious legitimacy. In the Iranian legal system, which is substantially influenced by Islamic jurisprudence, the permissibility of new reproductive techniques cannot be assessed solely through statutory law, particularly where legislation is silent or incomplete. Article 167 of the Constitution provides an important interpretive basis for recourse to authoritative Islamic jurisprudential sources in cases of legislative silence, thereby enabling jurists and courts to address emerging questions through established principles of Islamic law. Within Shiʿa jurisprudence, the principles of permissibility, acquittal, and the avoidance of extensive interpretation of prohibitions have been used to argue that certain forms of medically assisted reproduction may be permissible unless a clear and specific prohibition is established. The development of assisted reproductive medicine has also transformed infertility from a condition that was once largely accepted as irreversible into one that can frequently be treated through artificial insemination, in vitro fertilization, gamete donation, embryo donation, and surrogacy. This transformation has increased the practical importance of determining whether sperm and oocyte donation or purchase can be legally and religiously recognized and, if so, under what conditions (Akhondi, 2007; Rezaeia, 2017). The central problem is therefore not merely the technical possibility of reproduction but the legal and jurisprudential status of the relationships created by these technologies. Shiʿa jurisprudence, through the institution of ijtihad, provides a methodological mechanism for examining unprecedented cases and deriving rulings from general principles, authoritative texts, and jurisprudential rules. Contemporary discussions of gamete donation have consequently focused on whether artificial insemination involving a third party should be treated analogously to unlawful sexual relations, whether the absence of sexual intercourse changes the legal characterization of the act, and whether lineage and other legal consequences can be established independently of the permissibility or impermissibility of the reproductive procedure itself (Makarem Shirazi, 1996; Nikzad & Joursaraei, 2019).

The historical development of assisted reproduction in Iran demonstrates a gradual but incomplete movement toward jurisprudential acceptance and legal regulation. Early debates among Shiʿa authorities centered particularly on the use of sperm from a man other than the husband,

because this procedure raised concerns regarding the preservation of lineage and the prohibition of introducing a stranger's reproductive material into the body of a married woman. Nevertheless, some influential jurisprudential opinions distinguished artificial insemination from adultery on the ground that no prohibited sexual intercourse occurs and argued that the absence of a specific prohibition may support permissibility, provided that prohibited preliminary acts are avoided. A well-known position attributed to Ayatollah Khamenei held that the introduction of a stranger's sperm into a woman's uterus is not inherently prohibited, although unlawful preliminaries must be avoided (Rouhani Aliabadi, 2006). By contrast, other jurists and jurisprudential institutions adopted a more restrictive position and regarded insemination with non-husband sperm as impermissible because of concerns associated with the protection of sexual boundaries, lineage, and family order (Makarem Shirazi, 1996; Rezaeia, 2017). These disagreements reflect the broader methodological tension between restrictive interpretations based on the protection of lineage and reproductive boundaries and permissive interpretations based on the principle of original permissibility in the absence of clear prohibition. Iran has nevertheless become one of the leading centers of infertility treatment in the Middle East, and the practical use of reproductive technologies has developed more rapidly than the statutory framework governing them. The adoption of the Law on Embryo Donation to Infertile Couples represented an important legislative step, but this law addressed only a limited aspect of assisted reproduction and did not comprehensively regulate sperm donation, oocyte donation, gamete storage, anonymity, donor compensation, lineage, inheritance, or the civil status of children born through these procedures (Mehrparvar, 2007). Consequently, a substantial gap continues to exist between clinical practice, jurisprudential discourse, and statutory regulation, leaving physicians, infertile couples, donors, children, and courts exposed to legal uncertainty.

From a jurisprudential perspective, the most controversial issue is the use of sperm from a man who is not the recipient woman's husband. The use of donor sperm is generally considered when the husband produces no viable sperm, suffers from severe reproductive dysfunction, or carries serious genetic or chromosomal abnormalities that make reproduction through his own sperm medically undesirable. Male-factor infertility constitutes a significant proportion of infertility cases, and medical indications for donor sperm therefore have substantial practical relevance (Akhondi, 2007). The principal jurisprudential objection is that the introduction of a stranger's sperm into a woman's reproductive system may conflict with religious rules concerning the protection of sexual organs and the preservation of lineage. Some jurists have therefore prohibited this procedure regardless of the absence of sexual intercourse, while others have maintained that the prohibition applicable to adultery cannot automatically be extended to artificial insemination because the two acts differ in both form and legal nature (Makarem Shirazi, 1996; Rezaeia, 2017). Supporters of permissibility argue that artificial insemination does not constitute zina in the technical jurisprudential sense and that the principles of permissibility and acquittal should apply unless explicit evidence establishes prohibition. Similar reasoning has been used to support the view that a child conceived through donor sperm should not be deprived of lineage merely because the reproductive act itself is disputed. Legal reasoning also suggests that lineage is generally attributed to biological parentage unless the law expressly excludes such

attribution. Since the statutory exclusion concerning children conceived through adultery is exceptional, it should not necessarily be extended to artificial insemination by analogy (Amin, 2009). The question becomes more complex where the recipient woman is married, because the presumption of paternity may operate in favor of the husband if natural conception remains possible. Where it is certain that conception resulted from donor sperm, however, the biological donor may be considered the natural father, particularly under interpretations that separate the establishment of lineage from the permissibility of the reproductive technique. These issues demonstrate that legal status, biological parentage, and jurisprudential legitimacy do not necessarily coincide and must therefore be examined independently.

Oocyte donation raises a comparable but distinct set of legal and jurisprudential difficulties, especially concerning the determination of maternity. Unlike sperm donation, in which biological fatherhood may usually be linked to the genetic source of the sperm, oocyte donation can divide the functions traditionally associated with motherhood between two women: the genetic mother who provides the oocyte and the gestational mother who carries and gives birth to the child. Some approaches emphasize childbirth as the defining criterion of motherhood, whereas others give greater weight to genetic contribution. This distinction has significant consequences for lineage, prohibited degrees of marriage, maintenance, custody, and inheritance. The use of an oocyte from a woman who is lawfully married to the same man may be viewed as less problematic because the genetic material originates within a lawful marital framework, although questions concerning the gestational mother remain. Where the donor has no marital relationship with the sperm provider, the same disputes that arise in donor-sperm cases reappear, although the legal analysis must additionally determine whether the genetic or gestational woman should be recognized as the legal mother (Rezaeia, 2017). Questions of mahram relationships are particularly important because reproductive technologies may create biological relationships that are not reflected in conventional family structures. Jurisprudential analysis of assisted reproduction has therefore emphasized the need to distinguish between genetic origin, gestation, breastfeeding, and marital relationships when determining prohibited degrees of marriage and other kinship effects (Mokhtari et al., 2020). Inheritance presents another major difficulty. Under Iranian civil law, inheritance generally depends upon legally recognized kinship. If lineage between the child and the gamete providers is recognized, inheritance may follow from that relationship; if legal kinship is denied, however, the child may be deprived of inheritance from biological donors. Some legal scholars have therefore suggested contractual or testamentary mechanisms to provide children born through assisted reproductive methods with economic protection where statutory inheritance rules remain uncertain (Omidian, 2017). These solutions, however, do not eliminate the underlying need for clear statutory determination of maternity, paternity, lineage, and inheritance.

The principal legal deficiency in Iran is the absence of a comprehensive legislative framework governing the donation, purchase, storage, transfer, and use of sperm and oocytes. Existing legislation concerning embryo donation does not adequately address the broader range of assisted reproductive technologies currently used in clinical practice. As a result, fundamental issues such as donor eligibility, age limits, frequency of donation, medical screening, anonymity,

confidentiality, compensation, nationality, storage periods, ownership or control of stored gametes, posthumous use, withdrawal of consent, and the legal status of children remain insufficiently regulated. The absence of clear rules concerning donor identity is especially important because anonymity may protect privacy while simultaneously limiting a child's future access to genetic and medical information. The ethical and legal difficulties surrounding confidentiality and donor anonymity have been recognized as major challenges in contemporary gamete and embryo donation (Borhani et al., 2009). The lack of statutory clarity also affects inheritance, maintenance, guardianship, custody, and the determination of legal parenthood. In some cases, the biological donor may have no intention of assuming parental responsibilities, while the recipient couple fully intends to raise the child; however, without a clear legal framework, the relationship between intention, biological parentage, and legal parenthood remains uncertain. The situation is further complicated by the diversity of jurisprudential opinions, because Article 167 may require recourse to jurisprudential sources precisely where those sources offer divergent conclusions. The current legal framework therefore places excessive interpretive responsibility on judges, physicians, clinics, and families. Comprehensive legislation should define key scientific and legal concepts such as sperm, oocyte, gamete, zygote, embryo, donor, recipient, genetic parent, gestational parent, and legal parent. It should also regulate compensation, storage, destruction, transfer, posthumous reproduction, donor screening, consent, the maximum number of embryos transferred, reduction of multiple pregnancies, sex selection, and the use of reproductive material from minors, deceased persons, non-Muslims, or non-human sources. Such regulation is necessary not only to resolve technical ambiguities but also to protect human dignity, family stability, reproductive autonomy, and the best interests of children born through these methods (Mehrparvar, 2007; Nikzad & Joursaraei, 2019).

In conclusion, the jurisprudential and legal evaluation of reproduction through the purchase, storage, or donation of sperm and oocytes reveals a substantial gap between biomedical capability and legal regulation in Iran. Although Shiʿa jurisprudence provides flexible interpretive mechanisms for addressing new reproductive technologies, the diversity of jurisprudential opinions has produced significant uncertainty concerning permissibility, lineage, inheritance, maternity, paternity, mahram relationships, custody, maintenance, and legal responsibility. The distinction between the religious legitimacy of a reproductive procedure and the legal status of the child born through that procedure is particularly important and should be explicitly recognized in future legislation. Children should not bear adverse legal consequences arising from disputes concerning the conduct of adults or the permissibility of medical procedures through which they were conceived. A comprehensive statutory framework is therefore required to define assisted reproductive concepts, determine the legal status and responsibilities of donors and recipients, establish clear rules for parentage and inheritance, regulate anonymity and access to genetic information, and specify the conditions governing the storage, transfer, destruction, and use of reproductive material. Such legislation should also establish transparent standards for clinics and physicians and should balance religious principles, medical realities, family stability, individual rights, and the best interests of the child. Without such a framework, reliance on fragmented statutes and conflicting jurisprudential opinions will continue to generate uncertainty for infertile couples,

healthcare professionals, courts, and children born through assisted reproductive technologies. The regulation of sperm and oocyte donation should therefore move beyond isolated jurisprudential rulings and incomplete statutory provisions toward an integrated legal system capable of addressing both current clinical practices and future developments in reproductive medicine.

References

Aflatounian, A. (2017). History of infertility. *Journal Of Shahid Sadoughi University Of Medical Sciences*, *6*(Supplement 1), 3.

Akhondi, M. M. (2007). Introduction to natural conception, in vitro fertilization, and the need for donor gametes in infertility treatment. *Payesh*, *6*(4), 32-37.

Amin, K. (2009). *Legal status of children born through artificial insemination* [Master's thesis in private law, Allameh Tabataba'i University].

Borhani, N., Farifteh, F., & Abbasi, M. (2009). Anonymity and confidentiality in gamete and embryo donation: A challenge of the third millennium. *Medical Ethics Journal*(8), 179.

Makarem Shirazi, N. (1996). New questions. *Fiqh Ahl al-Bayt*(7), 87.

Mehrparvar, H. (2007). A perspective on the legal and religious status of artificial reproduction. *Shahid Beheshti University Journal of Legal Research*(19–20).

Mokhtari, Z., Arab Khazayeli, A., & Hosseini Moghaddam, S. A. (2020). The applicability of jurisprudential rules on mahram and non-mahram relationships to children born through assisted reproductive methods. *Islamic Jurisprudence and Foundations of Islamic Law*(2).

Nikzad, A., & Joursaraei, S. G. (2019). An examination of the legal effects of gamete donation. *Journal of Babol University of Medical Sciences*, *9*(3), 56.

Omidian, P. (2017). *Inheritance and maintenance of children born through artificial fertilization from the perspective of law and Islamic jurisprudential schools* [Master's thesis in jurisprudence and private law, Tolooe Noor Higher Education Institute].

Rezaeia, M. (2017). *Medically assisted reproduction from the perspective of jurisprudence and law*. Bustan-e Ketab.

Rouhani Aliabadi, M. (2006). The religious ruling on insemination with sperm and reproductive material from a stranger. *Ibn Sina Infertility Research and Treatment Center*, 291.